

تحويل کتاب «ای خانه من است به نشر کتاب آه» (انتشار ۱۳۹۵)	ورود به دانشگاه علامه طباطبائی (زبان و ادبیات فارسی)	آغاز اشتغال تمام وقت به خبرنگاری (در رسانه‌های گوناگون تادی ۹۸)	ورود به دانشگاه تهران (مهندسی عمران) همکاری با موسسه فرهنگی خورشیدراگا	بهت رویارویی با یک کتابخانه بسیار بزرگ شخصی و مطالعه «دمیان» هرمان هسه	مطالعه اتفاقی داستان مار (جان اشتاین بک) و «در برابر قانون» کافکا در کتاب ماه عسل آفتابی	تولد در روستای رامین (شهریار)
۱۳۹۴	۱۳۹۱	۱۳۸۳	۱۳۷۹	۱۳۷۲	۱۳۶۸	۱۳۶۱

سال شمار زندگی

مسعود بُرُبر



برای گفت‌وگو با نویسندehای که بیش از ۸۰۰ نشست داستان خوان

«ایران زمین» خد

همینگوی با آن راوی دوربینی که جهانی اگزستانسیالیستی را پیش رویان می‌گذارد، با کافکای خالق جهان کابوس‌ها. کمیک استریپ‌هایی مثل تن تن هم با جهان رنگینی که پیش روی خواننده می‌گذارند، همواره مورد توجه و علاقه‌ام بوده‌است.

✎ **محققان ادبیات، خیلی روی متون کهن کار کرده‌اند. شما دنبال چه موضوع تازه و چه ثمره‌ای در ادبیات کهن هستید؟**

من از لحاظ داستانی و جهان‌پردازی به متون کهن‌مان مثل شاهنامه توجه کرده‌ام و این‌که چگونه می‌توانیم از آنها در بهبود داستان‌گویی‌مان استفاده کنیم. در تاریخ بیهقی و نحوه برخوردش با زمان و همچنین روایتش از فروپاشی شخصیت هم شگردهای جالبی داریم. در «اوستا» نوعی ساختار روایت سه‌بعدی وجود دارد. یا در سمک عیار و داراب‌نامه شیوه‌ای داریم که آن را روایت رودخانه‌ای می‌نامم و در درخت آسوریک منظره و مفاخره داریم.

✎ **از عنوان و طرح جلد کتاب اینجا خانه من است این طور برمی‌آید که محور آن ایران باشد. همین طور است؟**

اینجا خانه من است، مجموعه‌ای از داستان‌های کوتاه من است که هر کدام ریشه در یکی از وقایعی دارد که پیشتر وقتی خبرنگار محیط زیست و میراث فرهنگی بودم، درباره آن گزارش نوشته‌ام. از خانواده‌هایی که درگیر معضلات محیط زیستی سدسازی هستند تا میراث فرهنگی در خطر. البته برای نویسندehای که مدام در تلاش برای یادگیری باشد، کتابی که سال‌ها پیش منتشر کرده احتمالاً از قلم امروز او بسیار دور باشد.

اشاره: مسعود بُرُبر جایی ندیدم مگر کتاب به دست یا در حال گفت‌و شنود درباره داستان. نمونه فردی که داستان‌نویسی را شأن و شاخصه خود می‌داند و تکلیفش با خودش روشن است. از روزی که کرونا آمد، جزو اولین نفراتی بود که راه را از میان محدودیت‌ها باز کرد و گذاشت قرنطینه بر سر قرارهای ادبی سایه مرگ ببندازد؛ تا همین حالا که بیش از ۸۰۰ برنامه زنده داستان‌خوانی برگزار کرده و کارگاه و کلاس‌هایش درباره داستان و روایت همچنان به شکل غیرحضورى ادامه دارد. با این‌که به سختی می‌توان قراری میان برنامه روزانه‌اش هماهنگ کرد اما با خوشرویی چند ساعت با ما به گفت‌وگو نشست.



سمیه جمالی

نویسنده

✎ **مسعود بُرُبر چه شگفتی‌ای در داستان کشف کرده؟**

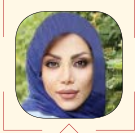
هنگام خواندن داستان از جهانی که در آن هستیم کنده می‌شویم و به دنیایی تازه قدم می‌گذاریم. داستان امکان تجربه دنیاهایی دیگر را به ما می‌دهد؛ ساختن جهان داستانی زنده‌تر که خواننده بتواند با تمام حواسش آنجا زندگی کند، دغدغه همیشگی‌ام است.

✎ **شما از جهان داستان چه می‌خواهید؟**

آدم‌ها سر بزنگاه‌ها هر چه گزینه‌های بیشتری داشته باشند آزادتر و توانمندترند. آدمی گزینه‌های بیشتر دارد که تجربه‌های بیشتر و عمیق‌تری را از سرگذرانده باشد. جهان داستانی بخت تجربه‌های بیشتر و عمیق‌تر و گاه حتی ناممکن را به ما می‌دهد. پس داستان بیشتر آزادی بیشتر به دنبال می‌آورد. داستان دریچه‌ای به آزادی است. و هرچه جهان داستانی متنوع‌تر باشد، آزادی بشر بیشتر می‌شود.

✎ **شما کجایی این دغدغه‌های گردید و علایق داستانی‌تان بیشتر کجاست؟**

بخشی از تلاش و یادگیری و جست‌وجوی من در حوزه نظریه روایت و جهان و مکان داستانی است. بخشی از وقتم هم به مطالعه و پرسه در متون کهن ایران زمین اختصاص دارد. از متون کهن فارسی، تا متون پهلوی و شغدی (از زبان‌های ایرانی شاخه شمال شرقی و زبان ناحیه حاصلخیز شُغد، واقع در میان آمودریا و سیردریا) و متون کهن‌تری مثل انوما الیش و گیلگمش. و طبیعتاً مطالعه جدیدترین آثار داستانی دنیا و تدقیق در کار نویسندگانی که در ساختن جهان داستانی بسیار موفق بوده‌اند. مثلاً تلاش برای فهم شیوه روایی جیمز جویس، یا جهان‌پردازی قدرتمند



مریم بیرنگ

نویسنده

روایت رامی شناسد

آنچه در آثار مسعود بُرُبر محرز است، این که روایت را به خوبی می‌شناسد؛ ویژگی‌های ژانر، استفاده از راوی‌ها، صحنه، پیرنگ، دیالکتیک زبان و معنا و ابزارهای روایی را هنرمندانه برای عرضه جهان متنش به کار گرفته و عناصر داستانی را برای ساختن صورت و معنای مدنظرش در جای خود نشانده‌است. گفتمان‌های متکثری که از صدای ایرانیان مختلف به عنوان پناه‌جو در رمان «مرزهایی که از آن گذشتی» وجود دارد، آن را به اثری چندصدایی تبدیل و فضایی چند پرسپکتیو از شرایط ارائه کرده‌است. تسلط نویسنده «مرزهایی که از آن گذشتی» در به‌کارگیری پیش‌متن‌هایی نظیر فولکلورها، داستان‌های ادبیات کهن و پیوند زدن روایت با اسطوره‌ها ستودنی است؛ به این اثر داستانی عمق می‌بخشد و آن را از شکل روایتی سهل‌الهمضم خارج می‌کند و لایه‌هایی را برای کاویدن در اختیار خواننده قرار می‌دهد. روابط ناتمام مینو با آدم‌های زندگی‌اش دالی است که می‌توان چراغ‌قوه نظرات روان‌کاوی را روی مدلولش که رابطه او و پدرش است، انداخت و روای توصیف شده مینو در بخش‌های پایانی کتاب، به جزئیات و نشانه‌هایی اشاره دارد که درصدد تبیین وضعیت روان او در موقعیت فعلی‌اش است. توصیف‌ها بازنمودی از امیال و هراس‌های اوست. صداهایی که همچون ندادهندگان همراهی‌اش می‌کنند؛ «خودی» تنها در همراهی با «سایه خود» و سپس تلنگری از بلندگو و بیداری در فرودگاهی که قرار است مینو را به مام وطن بازگرداند. بخش‌های پایانی رمان مملو از توصیف وضعیت آدم‌هایی است سرگشته میان رفتن و ماندن. تصویری باز از دشتی‌شن‌اندود، یادداشت‌بهمن درباره قلعه کاج، نمایشی تصویری از کلمات که سراسر بازنمایی داستان اصلی است و استعاره‌هایی که چهره شخصیت‌های داستان را در خود مستتر کرده‌است.

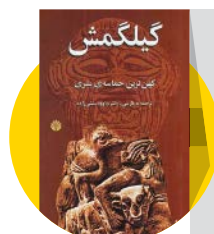
حاصل وسواس در انتخاب

وقتی کسی زیاد کتاب خوانده باشد، انتخاب هفت عنوان از میان‌شان سخت‌تر می‌شود. برای همین چند روز طول کشید مسعود خان بُرُبر به جز دو کتاب خودش، پنج‌تای دیگر را گلچین کند. خوب به ذهن بسپارید، این کتاب‌ها حاصل همان وسواس و دقت او در انتخاب آثار است.

۱ شاهنامه فردوسی به تصحیح جلال خالقی مطلق - نشر سخن ۱۳۹۴



۲ گیلگمش، با ترجمه داوود منشی‌زاده، نشر اختران، ۱۳۸۴



۳ تاریخ بیهقی، تصحیح محمد جعفر یاحقی و مهدی سیدی، نشر سخن ۱۳۸۸

